کیهان

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ □ ۲۰ محرم ۱۴۴۷ □ ۱۶ جولای ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۹۰۶

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۱۰، اذان مغرب: ۱۹/۴۱، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۰، اذان صبح(فردا): ۳/۱۹، طلوع آفتاب(فردا): ۵/۰۱

حزب‌الله: سلاح مقاومت برای حفاظت از کشور است آن را کنار نمی‌گذاریم

«سید حسین الموسوی» مشاور سیاسی دبیرکل حزب‌الله تاکید کرد سلاح مقاومت برای محافظت از کشور است و به آن متعهدیم.

به گزارش تسنیم «الموسوی»، در واکنش به فشارها و توطئه آمریکا علیه لبنان برای خلع سلاح مقاومت، طی سخنانی اعلام کرد: ملت‌هایی که در برابر استبداد و استکبار مقاومت می‌کنند، همواره در معرض تجاوزات مستمر، خطرناک و وحشیانه آمریکا و صهیونیسم جهانی قرار دارند. این مقام ارشد حزب‌الله تاکید کرد: امروز در لبنان موجودیت ما هدف قرار گرفته شده و سلاح مقاومت که لبنان را آزاد کرد، به عنوان سلاحی «نامشروع» تلقی می‌شود که باید مصادره شود؛ آن‌گونه که سلاح‌های دشمنان وطن مصادره می‌گردد! وی خطاب به آمریکایی‌ها تاکید کرد: شرتان را از سر همزیستی ممتاز لبنانی‌ها و نهادهای دولتی کشور ما کم کنید. ما به سلاح خود متعهدیم تا مورد تجاوز قرار نگیریم و ما در راه امام حسین(ع) خواهیم ماند. گفتنی است اخیراً نماینده آمریکا با سفر به لبنان خواستار تسلیم سلاح مقاومت تا پایان سال جاری میلادی شده است.

یمن کشتی‌های غربی و صهیونیستی را مثل یک سیاهچاله می‌بلعد

یک شرکت انگلیسی مشاوره استراتژیک با بیان اینکه نمی‌توان قدرت یمنی‌ها را نادیده گرفت، اذعان کرد که یمن برای دولت‌های غربی و رژیم اسرائیل همچنان به‌منزله یک سیاهچاله است که آنها را می‌بلعد.

گویا یمنی‌ها بر مداری قرار گرفته‌اند که به هیچ رو نادیده گرفتنی نیست، به گزارش «مهر» به نقل از «المسیره»، شرکت انگلیسی مشاوره استراتژیک «Azure Strategy» در گزارشی اذعان کرد: «یمنی‌ها به قدرتی نفوذناپذیر تبدیل شده‌اند که مستقل عمل می‌کنند و منطقه و جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و نمی‌توان این قدرت را نادیده گرفت. حجم زرادخانه تسلیحاتی یمنی‌ها مشخص نیست و مقامات آمریکا از شیوه خلاقانه آنان در ساخت سلاح تمجید می‌کنند. نقش پیشدستانه یمنی‌ها در هر نزاع، منزوی کردن آنها را در عرصه دیپلماتیک سخت‌تر کرده است.» در بخش دیگری از گزارش این شرکت انگلیسی تصریح شده است که استقامت یمنی‌ها در برابر آمریکا نشان می‌دهد که آنها همچنان حکم «سیاهچاله» را برای حکومت‌های غربی و رژیم اسرائیل دارند.

نگاه

دیکتاتور خونریز عراق از کودکی تا بزرگسالی

امین‌الاسلام تهرانی

امروز ۲۵ تیر برابر است با ۱۶ژوئیه، سالروز...

«صدام حسین المجید التکریتی»، که بعدها تبدیل به خودکامهٔ سودایی عراق شد، در ۲۸آوریل ۱۹۳۷ (۸ اردیبهشت ۱۳۱۶) در روستای «العوجه» واقع در حوالی «تکریت»، در خانواده‌ای قبیله‌ای و با شرایط اقتصادی دشوار، متولد شد. کودکی و نوجوانی صدام تحت تأثیر فضای سنتی، خشونت خانوادگی و نبود حمایت پدرانه، پدری که پیش از تولد او مفقود شده بود، سپری شد؛ عاملی که بسیاری از زندگینامه‌نویسان به عنوان یکی از ریشه‌های شخصیت بی‌رحم او یاد می‌کنند؛ باری، بسیاری دیگر هم در این شرایط بوده‌اند و راه‌های دیگری رفته‌اند! نخستین گام‌های صدام در عرصه سیاست در اواسط دهه ۱۹۵۰ و با پیوستن به شاخه جوانان «حزب بعث عربی سوسیالیستی» برداشته شد، حزبی که بر آرمان‌های پان‌عربیسم، سوسیالیسم و ضدیت با استعمار غرب تأکید می‌ورزید. صدام حسین در سال‌های ابتدائی فعالیت خود، با شرکت در کودتای نافرجام علیه «عبدالکریم قاسم» (۱۳۳۸/۱۹۵۹)، وارد شبکه‌های مخفی سیاسی شد و حمایت دایی‌اش «خیرالله طلفاح» و اعضای قبیله خود را جلب کرد. پس از کودتای موفق ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ (۲۶ تیر ۱۳۴۷)، که قدرت را رسماً به حزب بعث سپرد، صدام با مهارت و حیله‌گری، به سمت معاونت ریاست‌جمهوری و رئیس دفتر روابط حزب بعث رسید و همزمان با کنترل ساختارهای امنیتی، به‌تدریج موقعیت خود را مستحکم‌تر ساخت. نهایتاً در ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۵ تیر ۱۳۵۸)، با کنار رفتن داوطلبانه یا اجباری «احمد حسن البکر» ـ که برخی منابع از فشار مستقیم صدام یاد کرده‌اند ـ او رسماً ریاست‌جمهوری عراق، رهبری حزب بعث و فرماندهی کل نیروهای مسلح را برعهده گرفت. تسلط او بر نهادهای کلیدی کشور، با مراسم موسوم به «پاکسازی حزبی» و تصفیه‌های خونین گسترده در ماه‌های نخست سلطنتش تکمیل شد، فرآیندی که در واقع آغازگر عصر اقتدار مطلق وی بود.

صدام پس از به قدرت رسیدن، بی‌درنگ نظام سیاسی و اداری عراق را به ابزاری تمام‌عیار در خدمت حفظ بقا و سلطه فردی خود بدل کرد. ساختاری چندلایه از سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و شبه‌نظامی چون «استخبارات»، «سازمان امنیت عمومی» و شبکه وفاداران قبیله‌ای، نقش چشم و گوش رژیم را در سراسر عراق ایفا می‌کردند. کوچک‌ترین مخالفت ـ چه از میان نخبگان مدنی، افسران یا روحانیون مذهبی، و چه از درون حزب و حتی خانواده‌اش ـ با نهایت قساوت سرکوب می‌شد. نقض حقوق بشر به امری سیستماتیک و فراگیر بدل گشت: از زندانیان سیاسی که بدون محاکمه در زندان‌ها ناپدید می‌شدند تا شکنجه‌های وحشیانه که در بازداشتگاه‌های مخفی رژیم رایج بود؛ به‌ویژه در قبال شیعیان عراق، که در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی پس از پایان جنگ با ایران، دست به قیام‌های گسترده‌ای زدند (انتفاضه شعبانیه در مارس ۱۹۹۱/اسفند ۱۳۶۹)، رژیم بعث با خشونت بی‌سابقه‌ای پاسخ داد. استفاده گسترده از نیروهای زرهی و هوائی علیه شهرها و مناطق عمدتاً شیعه‌نشین، افزون بر کشتار جمعی، منجر به آوارگی گسترده شد. از جنایت‌های هولناک دیگر در این دوره، می‌توان به حملات شیمیایی به «حلبچه» در مارس ۱۹۸۸ (اسفند ۱۳۶۶) اشاره کرد که در آن هزاران نفر از کُردها، از جمله زنان و کودکان، قتل عام شدند، واقعه‌ای که بعدها به عنوان «نسل‌کُشی کُردها» شناخته شد. این سرکوب‌ها نه‌تنها مخالفان سیاسی را هدف قرار داد، بلکه با ایجاد فضائی از وحشت فراگیر، هرگونه احتمال مقاومت سازمان‌یافته، حداقل در زمان کوتاه، را از بین می‌بُرد و مشروعیت حکومت را در میان بخش‌های وسیعی از جامعه عراق، به‌ویژه شیعیان و کُردها و دیگر کسانی که دو چشم بینا داشتند مخدوش می‌کرد.

در عرصه بین‌المللی، صدام عراق را به ورطه جنگ‌های ویرانگر کشاند که پیامدهای جبران‌ناپذیری برای منطقه و خود عراق داشت. جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای او، در سپتامبر ۱۹۸۰ (شهریور ۱۳۵۹) به صدور دستور حمله به خاک ایران منجر شد؛ جنگی که هشت سال به طول انجامید و با وجود تلفات انسانی و مادی عظیم برای هر دو طرف (ده‌ها میلیارد دلار خسارت مستقیم و غیرمستقیم و صدها هزار کشته از هر سو)، با مقاومت ایران و پایداری مردم این خاک، هیچ‌یک از اهداف اعلام‌شده اولیه صدام ـ از جمله تجزیه ایران یا تغییر مرزهای آبی اروندرود ـ را محقق نساخت. در طول این جنگ، رژیم بعث با نقض آشکار معاهدات بین‌المللی و اصول اخلاقی جنگ، از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی، از جمله در جبهه‌های «فاو»، «شلمچه» و «بانه» بهره برد که منجر به شهادت و جانبازی هزاران نفر شد، جنایتی که سازمان ملل متحد در سال‌های بعد آن را محکوم کرد (گزارش‌های سازمان ملل؛ Iran-Iraq War research). در گامی دیگر از ماجراجویی‌های نظامی، صدام در اوت ۱۹۹۰ (مرداد ۱۳۶۹) به کویت یورش برد. این تجاوز، نه‌تنها روابط عراق با جامعه جهانی را به کلی قطع کرد، بلکه منجر به تشکیل ائتلاف نظامی گسترده‌ای به رهبری آمریکا شد که در «عملیات طوفان صحرا» (ژانویه ۱۹۹۱/دی ۱۳۶۹) نیروهای عراقی را از کویت بیرون راند و ضربه سختی به ارتش عراق وارد ساخت. پیامدهای این دو جنگ، انزوای سیاسی و اقتصادی عراق را تشدید کرد و تحریم‌های بین‌المللی که تا زمان سقوط رژیم ادامه یافت، اقتصاد کشور را فلج نمود. این اتفاق درواقع قطع حمایت‌های پیشین آمریکا از صدام بود که همواره شرایط را برای او علیه ایران فراهم می‌کرد.

«خورشید بخت» صدام، که با اتکا به نفت و اراده‌ای جنون‌آمیز و تمام‌ناشدنی برای سلطه طلوع کرده بود، سرانجام در پی اشغال نظامی عراق توسط به اصطلاح ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا در مارس ۲۰۰۳ (فروردین ۱۳۸۲) رو به افول نهاد. سقوط سریع بغداد درآوریل همان سال (اردیبهشت ۱۳۸۲)، نماد فروپاشی سریع آخرین سنگرهای مقاومت رژیم بعث بود. خود صدام، پس از ماه‌ها فرار و اختفا در مناطق روستایی شمال عراق، در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۳ (۲۲ آذر ۱۳۸۲) در مخفیگاهی در نزدیکی «تکریت» توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شد، رویدادی که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های جهان داشت و به نماد پایان دوران او بدل گشت. پس از دستگیری، او در دادگاهی عراقی، در معرض اتهامات متعددی از جمله جنایت علیه بشریت، نسل‌کُشی و ارتکاب جرایم جنگی قرار گرفت. در یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها، او به دلیل نقش خود در کشتار جمعی ۱۴۸ شیعه عراقی در شهر «الدُجیل» در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) به اعدام محکوم شد. سرانجام در بامداد ۳۰ دسامبر ۲۰۰۶ (۹ دی ۱۳۸۵)، حکم اعدام صدام در بغداد به اجرا درآمد و بدین‌ترتیب، دوران ۳۵ ساله سلطه او بر عراق، که با وعده‌های ناسیونالیستی عربی آغاز شده اما با استبداد، جنگ و ویرانی خاتمه یافته بود، به پایان رسید. در این میان داغ رسوایی روابط با غرب نیز بر پیشانی سیاه او نشست. سقوط او، نقطه عطفی در تاریخ عراق و نقطه آغازی برای فرآیندهای سیاسی و... پیچیده پس از جنگ بود که زیر سایه اشغالگران بیگانه پیش رفت.

اوکراین آبستن تحولات سرنوشت‌ساز است

تغییرات گسترده در کابینه زلنسکی همزمان با اولتیماتوم ۵۰ روزه ترامپ به پوتین

سرویس خارجی-

همزمان با تغییر ناگهانی رویکرد ترامپ درباره جنگ اوکراین و اعلام «اولتیماتوم ۵۰ روزه به پوتین» گزارش‌ها از تغییرات گسترده در کابینه زلنسکی حکایت دارد. منابع اوکراینی حتی گفته‌اند زلنسکی و اعضای هیئت دولت به «مکان امن» منتقل می‌شوند!

رصد تحولات منطقه شرق اروپا به خوبی نشان می‌دهد که جنگ اوکراین آبستن حوادث بسیار سرنوشت‌سازی است که می‌تواند مسیر جنگ یا حتی نتیجه جنگ را رقم بزند. مهم‌ترین این تحولات از هفته گذشته و به دنبال تماس تلفنی پوتین و ترامپ رخ داد. ترامپ پس از این تماس تلفنی مدعی شد که پوتین قصد ندارد در جنگ اوکراین کوتاه بیاید بنابراین آمریکا تصمیم گرفته است ارسال تسلیحات به کی‌یف را از سر بگیرد. ترامپ پیش‌تر اعلام کرده بود که برای پایان دادن به این جنگ و عمل به وعده‌های خود، کمک‌های مالی و نظامی به اوکراین را که در دوره «جو بایدن» رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا در جریان بوده است، قطع خواهد کرد.

ترامپ روز دوشنبه نیز در دیدار با دبیرکل ناتو در کاخ‌سفید با اعلام یک اولتیماتوم تهدید کرد در صورتی که «پوتین ظرف ۵۰ روز به جنگ پایان ندهد، روسیه را مشمول تحریم‌های ثانویه ۱۰۰درصدی خواهد کرد.» رئیس‌جمهور آمریکا همچنین اعلام کرد که موشک‌های پدافند هوائی پاتریوت بیشتر و تسلیحات تهاجمی به هزینه اروپایی‌ها به خواهد داد. دونالد ترامپ، گفت: پوتین باید اقتصاد و کشورش را نجات دهد. پوتین آدم سرسختی است. او خیلی‌ها را فریب داد. کلینتون، بوش، اوباما، بایدن، اما من را نه! آمریکا همچنان به صلح پایدار در اوکراین علاقه‌مند است! توافق درباره اوکراین باید خیلی وقت پیش حاصل می‌شد، اما همچنان در مرحله بررسی است... توافق با اروپا بر سر ارسال سلاح به کی‌یف فرصتی برای صلح در اوکراین را فراهم خواهد کرد!»

«دونالد ترامپ، ولودیمیر زلنسکی را به تشدید حملات به عمق خاک روسیه تشویق کرده و حتی از او پرسیده که در صورت تأمین تسلیحات دوربرد از سوی آمریکا، آیا می‌تواند مسکو را هدف قرار دهد». این روایتی است که روزنامه انگلیسی فایننشال‌تایمز در گزارش دیروز خود به نقل از منابع مطلع از تماس تلفنی این دو رئیس‌جمهور در روز چهارم ژوئیه (۱۳ تیر) نقل کرده است؛ که نشان‌دهنده تغییری چشمگیر در موضع ترامپ نسبت به جنگ روسیه و وعده کارزار انتخاباتی‌اش مبنی بر پایان دادن به مداخله آمریکا در منازعات خارجی و پایان دادن یک‌روزه جنگ بین مسکو و کی‌یف است. به گفته دو منبع مطلع، ترامپ در این تماس از زلنسکی پرسیده «ولودیمیر، می‌توانی مسکو را بزنی؟... سنت‌پترزبورگ را هم می‌توانی بزنی؟» و زلنسکی پاسخ داده «قطعاً. اگر سلاح‌ها را بدهید، می‌توانیم». ترامپ در ادامه از این ایده حمایت کرده و این راهبرد را راهی برای «احساس درد» روس‌ها و وادار کردن کرملین به حضور بر سر میز مذاکره دانسته است. همزمان گزارش‌ها حاکی است ترامپ با ارسال موشک‌های دوربرد نیز به کی‌یف موافقت کرده است مسئله‌ای که می‌تواند واکنش شدید روسیه را در پی داشته باشد.

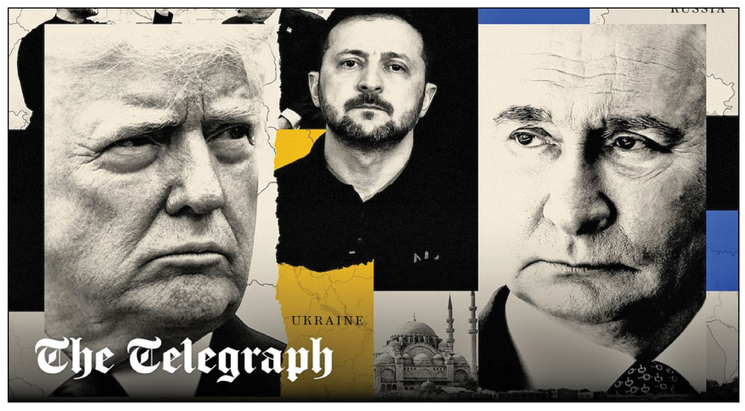

چرا ترامپ رویکرد خود را تغییر داد؟

به گفته کارشناسان رویکرد جدید ترامپ در اوکراین بازگشت به سیاست قبلی وی یعنی تحمیل آتش‌بس از طریق قدرت است اما در مورد روسیه بعید است که این سیاست یعنی تحمیل هزینه‌های شدید به روسیه جواب بدهد چرا که تنها حربه در دست ترامپ در مقابل روسیه ارسال سلاح به کی‌یف و تحریم بیشتر است که ناکارآمدی هر دو ابزار در طول سه سال گذشته ثابت شده و این دو ابزار نتوانسته روسیه را وادار به پذیرش آتش‌بس پیش از دستیابی به اهداف خود کند. البته برخی از کارشناسان نیز نظر دیگری درباره دلایل این تغییر رویکرد دارند نشریه آمریکایی آتلانتیک درباره تغییر رویکرد ترامپ نوشته است: شواهد نشان می‌دهد که اقدامات اخیر ترامپ در قبال جنگ اوکراین نه از سر تغییر راهبرد، بلکه ناشی از احساس تحقیر شخصی او از سوی رئیس‌جمهور روسیه بوده است. این نشریه می‌نویسد: احترام همیشگی ترامپ به پوتین یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی او در سال‌های گذشته بوده، اما به‌گفته ۲ مقام کاخ‌سفید و ۲ مشاور نزدیک به ترامپ که به‌صورت ناشناس صحبت کرده‌اند، این رابطه اکنون دچار تنش شده است. آنها گفته‌اند که ترامپ در حال حاضر نه به‌خاطر همدردی با اوکراین یا اعتقاد به اتحادهای فراآتلانتیکی، بلکه به‌خاطر نادیده گرفته‌شدن از سوی پوتین احساس ضعف و تحقیر می‌کند.

در این مقاله آمده است که ترامپ در ابتدا تصور می‌کرد می‌تواند در مدت ۲۴ساعت میان روسیه و اوکراین صلح برقرار کند، چراکه رابطه شخصی خوبی با پوتین دارد. او حتی تصور می‌کرد که می‌تواند از این فرصت برای برقراری روابط اقتصادی جدید میان واشنگتن و مسکو استفاده کرده و یک اجلاس صلح باشکوه برگزار کند. اما به نوشته آتلانتیک، هیچ‌یک از این تلاش‌ها به نتیجه نرسید و حتی مذاکرات غیررسمی به واسطه «استیو ویتکاف» نیز ناکام ماند. در عین حال، برخی کارشناسان ازجمله «مارک پولیمروپولوس» مأمور پیشین سازمان سیا، هشدار داده‌اند که اروپا نباید این چرخش را دائمی بداند. او گفته است: «آیا ترامپ طرفدار اوکراین شده؟ اصلاً. اروپا باید همچنان با فرض غیرقابل اعتماد بودن آمریکا برنامه‌ریزی کند، چون ترامپ هر لحظه ممکن است نظرش را تغییر دهد.

تغییرات گسترده در کابینه زلنسکی

همزمان با این تحولات گزارش‌ها حاکی است زلنسکی تغییر و تحولات گسترده‌ای نیز در دولت اوکراین انجام داده است که دولت وی با این تغییر رویکرد از سوی ترامپ بیشتر هماهنگ شود. در همین راستا زلنسکی «دنیس شمیهال»، نخست‌وزیر باسابقه این کشور را به عنوان وزیر دفاع جدید معرفی کرد؛ اقدامی که بخشی از بازسازی گسترده در کابینه او محسوب می‌شود و انتظار می‌رود این هفته به تصویب پارلمان برسد.

به گزارش فارس، زلنسکی در سخنرانی ویدیویی دوشنبه‌شب خود با تمجید از تجربه او در «مدیریت منابع محدود» اوکراین گفت که این تجربه در مسئولیت جدیدش بسیار ارزشمند خواهد بود. زلنسکی همچنین «یولیا سویریدنکو»، معاون نخست‌وزیر و وزیر اقتصاد را به عنوان گزینه پیشنهادی برای جانشینی «شمیهال» در مقام نخست‌وزیری معرفی کرده است. «سویریدنکو» ۳۹ساله که به میانجیگری توافق منابع معدنی با آمریکا شناخته می‌شود، اعلام کرده که به‌زودی کابینه پیشنهادی و برنامه دولت خود را ارائه خواهد کرد. رستم عمروف، وزیر دفاع برکنارشده که هدایت هیئت اوکراینی در مذاکرات صلح اسلامبول با روسیه را برعهده داشت، به گفته زلنسکی، اصلی‌ترین گزینه برای تصدی سفارت اوکراین در آمریکا است. زلنسکی در دیدار با عمروف گفت که «به فردی نیاز داریم که قوی باشد و در متن اصلی‌ترین موضوع یعنی تقویت اوکراین از طریق تسلیحات بیشتر از هر چیز دیگر قرار بگیرد». همزمان یک منبع اوکراینی از زمینه‌سازی برای انتقال رئیس‌جمهور و اعضای دولت اوکراین به مکان امن در غرب کشور خبر داد. براساس این گزارش، اعضای دولت زلنسکی نیز قصد دارند به مکان امن بروند.

واکنش روسیه

گزارش‌ها از روسیه حاکی است مقامات این کشور اولتیماتوم پوتین را یکصدا رد کرده‌اند. معاون رئیس شورای امنیت روسیه در این‌باره گفت: اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا درباره وضع تحریم‌های صددرصدی علیه مسکو یک «اولتیماتوم نمایشی» برای روسیه است که اهمیتی به آن نمی‌دهد. به گزارش ایسنا، دیمیتری مدودف، در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر) نوشت: «دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور روسیه یک اولتیماتوم نمایشی برای کرملین صادر کرده است. جهان بابت این اولتیماتوم منتظر پیامدهاست. اروپای متخاصم ناراضی است. روسیه اما اهمیتی نمی‌دهد». سخنگوی کرملین «دیمیتری پسکوف» نیز اعلام کرد که اظهارات اخیر دونالد ترامپ، درباره روسیه «بسیار جدی» تلقی می‌شود و مسکو برای بررسی و تحلیل دقیق این مواضع به زمان نیاز دارد.

کیهان بررسی می‌کند

سوریه، کشوری که پس از اسد یک روز خوش ندید

سرویس خارجی-

رژیم تروریستی جولانی پس از گذشت ۳ روز خونین در استان سویداء و دادن تلفات سنگین و پس از مداخله صهیونیست‌ها در این جنگ به نفع دروزی‌ها، اعلام کرد، به آتش‌بس دست یافته‌اند! این رژیم حتی حاضر نشد علیه مداخله رژیم صهیونیستی علیه خود، یک موضع زبانی بگیرد!

رژیم جولانی که پیش از این سرکرده گروه تروریستی و تکفیری «تحریرالشام» بود و تا همین چند سال پیش سر می‌برید، پس از این که با حمایت‌های آمریکا، ترکیه، رژیم صهیونیستی و برخی مرتجعین عرب، با پوششی جدید بر سوریه مسلط شد، نتوانسته حتی یک روز آرام را در سوریه تضمین کند. این کشور که اکنون از سوی رژیم صهیونیستی رسماً اشغال و چاه‌های نفتش هم در اختیار آمریکا قرار گرفته و زیر ساختی که نابود نشده باشد، برایش باقی نمانده، هر روز با یک بحران جدید مواجه بوده است. طی ۳ روز گذشته، خبرهایی از بروز درگیری‌های خونین بین این رژیم با دروزی‌ها در استان سویداء منتشر شد که با مداخله نظامی صهیونیست‌ها به نفع دروزی‌ها، شمار زیادی از طرفین کشته شدند. تا لحظه تنظیم این گزارش کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر از طرفین درگیری تایید و اعلام شده، شمار زیادی نیز مجروح شده‌اند. حالا دیروز رژیم جولانی مدعی شده، با دروزی‌ها به توافق رسیده و به آتش‌بس رسیده‌اند. نکته قابل‌توجه در این‌باره، رویکرد رژیم صهیونیستی است که با وجود نوکری جولانی برای او حاضر نیست علناً از این رژیم حمایت کند! و نکته جالب‌تر این که، در حالی مدعی است از دروزی‌ها حمایت می‌کند که، بدترین رفتار را با دروزی‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی دارد! از این‌رو بسیاری از کارشناسان معتقدند، رژم صهیونیستی، سوریه درگیر، به‌هم‌ریخته، ضعیف و چندتکه‌شده را ترجیح می‌دهد و هیچ بعید نیست تلاش‌هایی برای تجزیه دروزی‌ها آغاز کرده باشد! و این، راز حمایت ظاهری این رژیم از دروزی‌ها و تحقیر رژیم جولانی است.

نمونه‌های مشابه

وضعیت افغانستان پس از سقوط طالبان در ۲۰۰۱، با وجود سال‌ها حضور نظامی آمریکا و ناتو، نیز مثالی دیگر است که نشان می‌دهد فقدان سرمایه اجتماعی و نهادهای بومی قدرتمند پس از فروپاشی یک حکومت- ولو فاسد یا منفور- زمینه درگیری‌های داخلی، فساد و بازگشت مجدد گروه‌های شبه‌نظامی را فراهم می‌کند. همچنین، نمونه لیبی پس از فروپاشی حکومت «معمر قذافی» در ۲۰۱۱ میلادی با سرنگونی نظام توسط ائتلاف غربی و بدون چشم‌انداز روشنی برای ساماندهی سیاسی و بازسازی نهادهای حکومتی، بیانگر همان سرنوشت تلخ است: جنگ داخلی، تکثیر میلیشیاهای قبیله‌ای، تقسیم قدرت میان فرماندهان نظامی و فروپاشی نظم مدنی. این تجارب تاریخی حاکی از آن است که سقوط یک حکومت بد، به‌ویژه به دستان بیگانگان و بدون مشارکت قاطع و برنامه‌ریزی‌شده مردم، بیشتر به فروپاشی اجتماعی و تکرار چرخه خشونت می‌انجامد تا به ثبات و پیشرفت. حالا فرض کنید مباشر بیگانگان برای سرنگونی حکومتی عملاً تروریست‌های تکفیری بوده باشند که با تغییر لباس آینده همان کشور را هم به دست بگیرند!

آخرین خبرها از اوضاع سویداء

«مهر» دیروز به نقل از «الجزیره»، وزیر دفاع رژیم تروریستی جولانی مدعی آتش‌بس در شهر سویداء واقع در جنوب سوریه بعد از توافق با شخصیت‌های برجسته این منطقه شد. خبرگزاری «سانا» در سوریه نیز گزارش داد که ارتش سوریه در حال جمع‌آوری تجهیزات سنگین جنگی از شهر سویداء با هدف تحویل دادن محله‌های این شهر به نیروهای امنیت داخلی است. ساعتی قبل از اعلام این خبر با اعلام تسلیم شهر از سوی حکمت «الهجری رهبر»، معنوی دروزی‌های سوریه، عناصر وابسته به رژیم الجولانی بدون مقاومت خاصی وارد شهر سویداء شد. رهبر معنوی دروزهای سوریه گفته بود: «ما از ورود نیروهای وزارتخانه‌های کشور و دفاع برای اعمال کنترل در سویداء استقبال می‌کنیم. از گروه‌های مستقر در این شهر می‌خواهیم که مقاومت نکنند و سلاح‌های خود را به وزارت کشور تحویل دهند.» البته وی پیش‌تر گفته بود که در برابر جنایات صورت‌گرفته علیه دروزی‌ها در این شهر سکوت نمی‌کند. همچنین ساکنان استان سویداء بیانیه‌ای در مورد وقایع این استان منتشر کردند و از دولت حاکم سوریه خواستند که مسئولیت‌های کامل قانونی خود را برعهده بگیرد. لازم به ذکر است که درگیری‌های شدید مسلحانه میان دروزی‌ها و عشایر وابسته به رژیم تروریستی الجولانی طی سه روز گذشته بیش از ۱۰۰ کشته و ۲۰۰ زخمی برجای گذاشته است. البته باید توجه داشت که دروزی‌ها هم حمایت ضمنی رژیم آپارتاید اسرائیل را دارند. حتی در سایه درگیری‌های شدید در سویداء، «ولید جنبلاط» دروزی‌مسلک و رهبر سابق حزب سوسیالیست مترقی در لبنان گفته بود که «اسرائیل از کسی محافظت نمی‌کند، بلکه می‌خواهد به جنگ در سویداء دامن بزند.»

تجاوزات هوائی رژیم صهیونیستی

این وسط آن‌چه عجیب نیست ماهیگری رژیم آپارتاید است. گزارش‌های رسانه‌ای حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی، دیروز، در بحبوحه این وضع خون‌بار شهر سویداء واقع در جنوب سوریه را بار دیگر هدف قرار داده است. «یسرائیل کاتس»، وزیر جنگ رژیم، نیز گفته بود که این رژیم اجاره نمی‌دهد آزاری به دروزی‌های سوریه برسد و یک پیام هشدارآمیز خطاب به رژیم الجولانی می‌دهد. این سخنان کاتس بعد از حملات هوائی روز پیش از آنِ رژیم صهیونیستی به اطراف شهر سویداء محل درگیری‌های خونین میان دروزی‌ها و عناصر وابسته به رژیم تروریستی جولانی مطرح شد. به نظر می‌رسد وزیر جنگ رژیم صهیونیستی تلاش دارد با چنین موضع‌گیری‌هایی حملات تجاوزکارانه خود را علیه سوریه توجیه کند. در پی این تحولات، شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی گزارش داد که از صبح سه‌شنبه، نشست‌های فوری امنیتی در تل‌آویو با حضور «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر، وزیر جنگ و «ایال زامیر»، رئیس ستاد ارتش، برگزار شده است. این رسانه‌ها با تأکید بر «وضعیت خطرناک در سوریه» مدعی شدند که جامعه دروزی سوریه «در خطر واقعی» قرار دارد. در حمله هوائی اول رژیم صهیونیستی به غرب استان سویداء در جنوب سوریه ۶ نفر از عناصر وابسته به رژیم الجولانی کشته و شماری زخمی شدند. جالب است که تمام اینها در زمان مذاکرات عادی‌سازی رژیم تروریستی الجولانی با رژیم تروریستی آپارتاید صورت گرفته است.

اروپا در دوراهی چین و آمریکا / دویچه وله: بروکسل نمی‌داند چه کند

سایت شبکه تلویزیونی «دویچه‌وله» آلمان با اشاره به «جنگ تعرفه‌ای» ترامپ علیه اروپا نوشت، اتحادیه اروپا در دوراهی انتخاب بین پکن و واشنگتن گرفتار شده است.

تصمیم دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه ۳۰درصدی علیه اتحادیه اروپا از یک‌سو شکاف از پیش ایجادشده در بین روابط اروپا و آمریکا را تشدید کرده به طوری که رئیس کمیسیون اروپا گفته است روابط بین دوطرف هرگز به شرایط سابق بازنخواهد گشت، از سوی دیگر اختلاف‌ها در خود اروپا نیز تشدید شده است. برخی به دنبال سیاست ایستادگی و مقاومت در برابر این جنگ تعرفه‌ای هستند و برخی از ضرورت مصالحه و گفت‌وگو با آمریکا دم می‌زنند. «اورسولا فون‌درلاین» رئیس کمیسیون اروپا، روز اعلام کرده است که در صورت شکست مذاکرات تا روز اولتیماتوم ترامپ در ۱۰ مردادماه اروپا بسته‌ای تعرفه‌ای به ارزش ۲۱ میلیارد یورو بر کالاهای وارداتی از آمریکا اعمال خواهد کرد. اما در مورد همین بسته نیز هنوز در بین سران اروپا شک و تردید وجود دارد و به نوشته رسانه‌ها نوعی سردرگمی وجود دارد.

همزمان گزارش‌ها حاکی است به دنبال تشدید فشارها از سوی ترامپ علیه اروپا سران اتحادیه بین چین و آمریکا سردرگم شده‌اند. «دویچه‌وله» در این زمینه این سؤال را مطرح کرده است که آیا اتحادیه اروپا پس از جدیدترین تهدیدهای ترامپ نسبت به اعمال تعرفه هنوز می‌تواند به آمریکا اعتماد کند و آیا ممکن است در چنین شرایطی خطر روابط نزدیک‌تر با چین را بپذیرد؟ این بنگاه خبری با اشاره به تشدید تنش‌ها میان آمریکا و چین باوجود دیدار «وانگ یی» وزیر امورخارجه چین با «مارکو روبیو» همتای آمریکایی در حاشیه اجلاس «آسه‌آن» در کوالالامپور، آورده است: اتحادیه اروپا اکنون بین دوراهی قرار دارد.

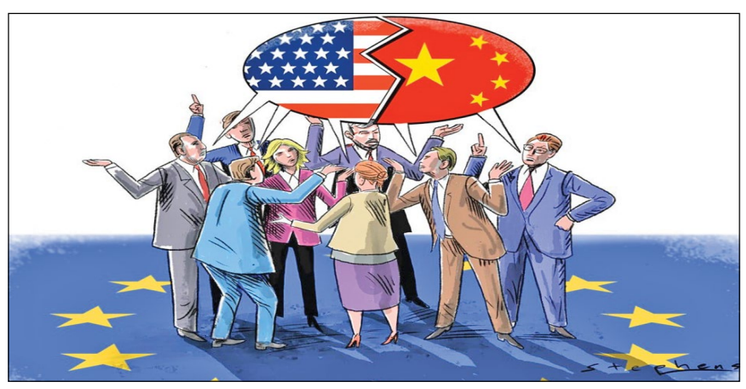

چراکه واشنگتن از قدرت اقتصادی خود برای مجبور کردن کشورهای ضعیف‌تر از نظر اقتصادی به سازش در تجارت استفاده می‌کند. به گزارش ایرنا، دویچه‌وله با طرح سؤالی دیگر به بررسی این موضوع پرداخته که اروپا در شرایط کنونی، باید به آمریکا تکیه کند یا چین که اکنون با وجود اختلافات ایدئولوژیک به دنبال روابط نزدیک‌تر با بروکسل و آلمان است. براساس این گزارش «عدم قطعیت به عامل تعیین‌کننده‌ای تبدیل شده است که بر موقعیت استراتژیک اتحادیه اروپا بر رقابت آمریکا و چین سایه افکنده است. این گزارش می‌افزاید: درک اتحادیه اروپا و آمریکا از تهدید چین اساساً با یکدیگر متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که ایالات‌متحده در تلاش است با یک رقیب هژمونیک و تهدیدی وجودی مقابله کند، در حالی که اتحادیه اروپا قصد دارد رابطه‌ای متعادل با یک بازیگر جهانی برقرار نماید.

فصلی جدید در روابط میان بروکسل و پکن

دویچه‌وله در ادامه به نشست اتحادیه اروپا و چین در پایان ماه جولای (مرداد) در پکن اشاره و این پرسش را مطرح کرده است که آیا این نشست می‌تواند آغازی جدید در روابط دو طرف باشد؟ این رسانه در پاسخ، نتیجه را وابسته به ترامپ دانسته و یادآور شده است: کاخ‌سفید پیش از این تعرفه‌هایی را برای اتحادیه اروپا و مهم‌ترین متحدان آسیایی تعیین کرده، اما هنوز در قبال چین طرح مشخصی ارائه نداده است. لذا چنانچه جنگ تجاری دوطرف بار دیگر بالا ببرد، چین ممکن است از بازار اتحادیه اروپا برای جذب ظرفیت تولید مازاد استفاده کند. در عوض، آمریکا هم می‌تواند کالاهای تولیدشده در اتحادیه اروپا را تحت عنوان محصولات چینی بازتعریف کند و تعرفه بیشتری از بروکسل بخواهد. به عقیده کارشناسان چنین وضعیتی نیازمند همکاری نزدیک‌تر کشورهای اروپایی با یکدیگر به منظور کاهش وابستگی خارجی است.

«نه» بزرگ ارمنستان به طرح خطرناک آمریکا درباره زنگزور

وزارت خارجه ارمنستان با رد پیشنهاد نظارت ۱۰۰ ساله آمریکا بر گذرگاه «زنگزور» اعلام کرد که این کشور کنترل قلمرو تحت حاکمیت خود را به هیچ کشور ثالثی واگذار نکرده و نخواهد کرد.

رسانه انگلیسی «میدل‌ایست‌آی» در گزارش تازه‌ای از پیشنهاد جنجالی آمریکا درباره «دالان زنگزور» خبر داده است که می‌تواند استقرار آمریکا را در نزدیکی مرزهای ایران به دنبال داشته باشد. رؤسای